

بررسی جاندار پنداری و مراحل تحول آن در کودکان ایرانی

معرفی مقاله

پژوهش از: مریم نوزرآدان

چگونگی تفکر کودک و مکانیسم آن امری است که مورد علاقه بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت می‌باشد، و حتی این امر برای مردم عادی نیز می‌تواند جالب توجه باشد و آنان را در شناخت و هدایت بهتر فرزندان‌شان راهنما باشد. ارائه تئوری جاندار پنداری توسط بیازه، دانشمند معروف سوئیسی در سال ۱۹۲۶، تحقیقات متعددی را به دنبال داشت که تحقیق حاضر نیز در همین راستا و برای بررسی جاندار پنداری و مراحل تحول آن نزد کودکان ایرانی بوده است.

در این تحقیق ۱۰۰ آزمودنی ۵ تا ۱۲ سال و ۱۱ ماه (۴۵ دختر و ۵۵ پسر) براساس روش کلینیکی بیازه مورد آزمایش قرار گرفته‌اند و نتایج حاصل از این پژوهش عمومیت فرضیه جاندار پنداری و مراحل تحول آن را با این نمونه در کودکان ایرانی نیز تأیید می‌نماید. روش تحقیق و نتایج حاصل از این تحقیق همراه با جداول و نمودارهای حاصل از آن در این مقاله ارائه گردیده است. این مقاله خلاصه پایان نامه فوق لیسانس خانم مریم نوزرآدان کارشناس دفتر کودکان استثنایی وزارت آموزش و پرورش می‌باشد که توسط ایشان در اختیار فصلنامه قرار گرفته است. بدین وسیله از علاقه ایشان نسبت به فصلنامه تشکر نموده، موفقیت روزافزون ایشان را آرزو مندیم.

«فصلنامه»

۱ - مقدمه

مسئله تصور کودک از جهان یکی از اساسی‌ترین مسائل روان‌شناسی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر جسماتی که کودک ارتجالاً در جریان تحول عقلانی خود از دنیا دارد چگونه است؟ آیا کودک مانند ما به دنیای واقعی معتقد است و این اعتقاد را از جنبه خیالی بسازی با تخیلاتش مجزایی سازد؟ کودک تا چه اندازه دنیای برونی را از دنیای درونی یا فاعلی تمیز می‌دهد، و چه حدودی بین خود و واقعیت عینی قابل است؟ این پرسشها مسئله واقعیت را در کودک مطرح می‌کند. مسئله دیگر تبیین کودک است، کودک مفاهیم علت و قانون را چگونه به کار می‌برد؟ این سؤال نیز علیت کودکانه را به میان می‌آورد. بهر حال در این نماتحلیل محتوا مد نظر است زیرا به عکس محتوای فکریک نظام معتقدات شخصی نظام گرایشها و جهت‌های فکری است که کودک هرگز نسبت به آنها هشیار نشده و از آنها سخنی به میان نمی‌آورد و برای پی بردن به آنها به تکنیک خاصی نیاز داریم که در طی این روش کودک راجع به پدیده‌های طبیعی و تفکر و منشأ اشیاء نظریات و اظهارات بسی ارتباطی ارائه می‌دهد که ممکن است ما بتوانیم در بین آنها گرایشهایی را که در هر کوشش فکری نمودار می‌شوند تمیز دهیم. این جهت‌های فکری را پیازه فلسفه کودکان می‌خوانند (۵۳۴، ۱۱) که جاندار پنداری نیز یکی از آنها است. در طی جاندار پنداری کودک «روان» را از «جسم» تمیز نمی‌دهد، حتی بین خود و دنیای برونی حدی قابل نیست و باید گفت او طی مراحل به بیشتر اشیایی که برای ما بی حرکت و بی جان هستند، جان می‌بخشد و آنها را زنده و هشیار می‌پندارد. مثلاً برای کودکان ۴ - ۶ ساله، هر چیز فعال، هر چیزی که دارای کنشی باشد و فایده‌ای برساند، زنده محسوب می‌شود. کودکان ۸ - ۶ ساله، زندگی و هشیار بودن را به وسیله حرکت تعریف می‌کنند و هر چیز متحرک را زنده می‌پندارند. کودکان ۱۰ - ۸ ساله حرکات ارتجالی را از حرکاتی که به وسیله محرک خارجی صورت می‌گیرد مشخص ساخته و آنچه خود به خود حرکت کند، زنده می‌نامند. بالاخره مرحله چهارم، که زندگی به حیوانات و گیاهان محدود می‌شود و معمولاً این مرحله در اوایل ۱۱ سالگی آغاز می‌گردد.

البته در مورد مراحل، پیازه معتقد است که کودک با پاسخ دادن به سؤالات، تحول ارتجالی جاندارپنداری را نشان خواهد داد ولی نمی‌توان دقیقاً گفت که کودک با توجه به سنش متعلق به یک مرحله خاص می‌باشد زیرا این مراحل دارای دامنه وسیع بوده و نمی‌توان سن قطعی را برای هر مرحله مشخص نمود ولی آنچه مسلم است ترتیب مراحل تحول همیشه ثابت خواهد بود (۱، ۲۰۷).

ارائه تئوری جاندارپنداری توسط پیازه در سال ۱۹۲۶، تحقیقات متعددی را مدت ۱۵ سال به دنبال داشت و سپس در سالهای اخیر مجدداً به سبب اهمیت و توجه به مسئله علیت در شناخت شناسی، بررسی این مسایل از سر گرفته شده و بر این اساس، محققان روابط عوامل متعددی را با جاندارپنداری مطالعه نموده‌اند (۳، ۹، ۱۶، ۱۸) مطابق تحقیقاتی که در مورد جاندارپنداری انجام گرفته، مختصراً چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود، مطالعات راسل و دنیس (۴، ۱۴، ۱۵)، لرنر (۷)، نیوگارتن و هاوی هورست (۷) و یهودا (۶) که با روشهای متنوع در گروههای فرهنگی، اجتماعی متفاوت صورت گرفته مدعی هستند که توانسته‌اند فرضیه پیازه را ثابت نموده و کودکان را کم و بیش در مراحل پیشنهادی پیازه مرحله‌بندی نمایند و در مقابل عده‌ای نظیر اسکار (۷)، لی و هانگ (۵) و مارگرت و مید (۷) نتایجی متفاوت بدست آورده‌اند که البته تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق لی و هانگ به وسیله استراس (۱۷) تجدید گردیده و نتایج تقریباً موافقی نیز بدست آمده و در بررسی مارگریتمدینز روش کاملاً متفاوت بوده به عبارتی او عوامل فرهنگی را بررسی نموده نه جاندارپنداری را. هدف از این پژوهش نیز مطالعه جاندارپنداری با توجه به مفهوم «زندگی» و تعیین میزان کمی و کیفی مراحل تحول آن در کودکان ایرانی است تا بدین وسیله بتوان تصویری از ذهن کودک ایرانی و چگونگی تحول آن جهت آموزش و پرورش او فراهم آورد و همچنین تحقیقات وسیع‌تری در این مورد انجام داد.

۲ - روش تحقیق

الف - نمونه مورد آزمایش

در این تحقیق ۱۰۰ کودک ۵ سال تمام تا ۱۲ سال و ۱۱ ماه (۴۵ دختر - و ۵۵ پسر) مورد بررسی قرار گرفتند که از طبقه متوسط اجتماعی - فرهنگی به صورت تصادفی انتخاب شده و در حدود ۸۰ درصد پدرانشان کارمند متوسط و بقیه دارای مشاغل آزاد با تحصیلات در حدود دیپلم بوده‌اند، آزمودنی‌ها که از نظر سطح تحصیلات به طور تصادفی انتخاب شده‌اند، دانش آموزان آمادگی نادم راهنمایی مدارس تهران (دبستان و راهنمایی بهنام ۶۴ نفر و دبستان الفیا ۳۶) بودند.

ب - فنون و لوازم

در این پژوهش از روش کلینیکی پیازه (۲، ۳۴) استفاده شده، زیرا پیازه در کتاب «جهان به تصور کودک»^۲ خاطر نشان ساخته با تمام انتقادات وارد بر این روش می‌توان نتایج کافی و نظامداری را در مورد جاندارپنداری از آن، بدست آورد و با کمی دقت در عین حفظ چهار چوب موضوع، جوابها را به وضوح شکافت» (۱۰).

همچنین برای محاسبه نتایج آماری نیز از روش استاندارد راسل و دنیس (۱۳) استفاده گردیده

در طی این تحقیق، قبل از اجرای آزمایش اصلی به منظور دست‌یابی به روش کاملتر دو آزمایش مقدماتی صورت گرفت و بدین جهت از دو گروه مشابه ۱۵ نفری، از گروه‌های سنی متفاوت استفاده شده با گروه نخست مطابق روش دنیس و راسل، قبل از شروع سؤالات اصلی، به منظور تفهیم معنی زندگی و زنده بودن مثالی از یک موجود زنده آورده می‌شد، بدین صورت که «گرچه زنده است و زندگی می‌کند، اگر اتومبیلی او را زیر کند دیگر او زنده نیست.» و سپس سؤالاتی در مورد اشیاء به عمل می‌آمد.

در گروه دوم، سؤالاها بدون آوردن مثال، از آزمودنی پرسیده می‌شد. بعد از چند آزمایش در گروه نخست، چنین به نظر آمد که آوردن مثال، در برداشت بعضی از کودکان از مفهوم زندگی و زنده بودن مؤثر بوده و کودک هنگام پاسخ دادن به سؤالاها سعی میکند، آنرا نمونه قرار دهد و بر اساس آن پاسخ گوید. به همین دلیل در آزمایش اصلی آزمودنی‌ها به وسیله روش گروه دوم (که ذیلاً شرح داده خواهد شد) مورد بررسی قرار گرفتند. در جریان آزمایش، آزمودنی و آزمایشگر در اطاق آزمایش مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند و بعد از پرسیدن نام و کلاس و برقراری رابطه مناسب توضیح داده می‌شد.

«من از تو چند سؤال خواهم کرد که بسیار ساده و آسان می‌باشند و تو به راحتی می‌توانی به آنها پاسخ بدهی.» و در مورد کودکان کم سن تر ابتدا گفته می‌شد، «ما یک بازی می‌کنیم که در این بازی من از تو سؤالاتی می‌پرسم که خیلی آسان است و تو به راحتی می‌توانی به آنها جواب بدهی.» و پس از بیان دستورالعمل سؤالات مربوط به «مفهوم، زندگی» و «زنده بودن» بدین ترتیب مطرح میشد. «آیا تو امید انی زنده بودن چیست؟» و «چه چیزهایی زنده‌اند؟»

پسپس بعد از پاسخ آزمودنی به این دو سؤال، در مورد جاندارایی جان بودن ۲۰ شیء که اکثر آنان توسط پیازه مورد پرسش قرار گرفته، در جمله‌ای نظیر «آیا زنده است یا نه؟ چرا؟» سؤال می‌شد.

(نمونه: آیا نیمکت زنده است یا نه؟ چرا؟) انتخاب این اشیاء نیز بر اساس صفات خاص آنان می‌باشد زیرا، عده‌ای از آنها بی حرکت و جامد اما قابل استفاده می‌باشند و بعضی به وسیله یک عامل خارجی متحرک خواهند بود و بعضی دارای حرکت ارتجالی بوده و بالاخره عده‌ای جزء موجودات زنده و جاندار هستند.

طبق روش راسل و دنیس، به منظور استخراج نتایج، اشیاء مورد پرسش برای تمام آزمودنیها یکسان و مشابه بوده‌اند. اشیاء مورد سؤال عبارت بودند از:

نیمکت (صندلی کلاس) - سنگ - کوه - چراغ خوراک پزی - آب - ساعت - دو چرخه - ماشین - رودخانه - آتش - باد - ابر - باران - خورشید - درخت - گل - چمن - گربه - مگس - انسان.

مطابق روش کلینیکی پیازه سؤالات به صور گوناگون مطرح می‌شد. زیرا توجه به جزئیات پاسخها به منظور پی بردن به مکانیزم فکری کودک لازم و مهم می‌باشد. زمان آزمایش نیز غالباً بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه متغیر بوده است. لوازم مورد استفاده این تحقیق نیز تنها یک دستگاه ضبط صوت بود که بدون اطلاع آزمودنی، مصاحبه بین آزمایشگر و آزمودنی به وسیله آن ضبط می‌گردید.

الف - ویژگیهای تحول و تعیین مراحل

در بررسی و تحلیل پاسخ آزمودنی‌ها در مورد جاندارایی جان بودن اشیاء و چیرایی جاندار بودن آنها دیده شد که اکثر آزمودنی‌ها پاسخهای مشابه‌ای به سئوالات داده‌اند، بدین شرح که، اولاً گرایش زنده و هشیار پنداشتن اشیاء در تمامی پاسخها نمایان بوده و ثانیاً این گرایش در هر گروه بر اساس صفات مشخص و خاصی از اشیاء تغییر می‌نماید، مثلاً گروهی خورشید، آب، صندلی و تقریباً تمامی اشیاء، مورد پرسش را زنده نامیده و علت آنرا نیز فعالیت و قابل استفاده بودن آنها ذکر کرده‌اند عده‌ای نیز دوچرخه، ماشین، ابرو خلاصه اجسام متحرک را اعم از هر نوع حرکتی زنده دانسته و گروهی نیز هر جسمی را که حرکت ارتجالی داشته و یا خود به تنهایی کاری را انجام می‌دهد مانند خورشید و باد زنده نامیده‌اند، البته گاهی در پاسخها لغزشی دیده می‌شود که آن در نتیجه تحول نظام فکری کودک است زیرا یک مرحله خود به چندین مرحله کوچکتر تقسیم می‌شود و همچنین دامنه مراحل تحول نیز طولانی است و در نتیجه باید به اکثریت پاسخها توجه کرد و خلاصه گروهی تنها انسان، حیوانات و گیاهان را جاندار نامیده‌اند، اما علاوه بر این ۴ گروه که بیشترین درصد نمونه ما را شامل می‌شود، عده بسیار کمی از کودکان در ضمن جاندار پندار بودن در پاسخهای خود هیچ نوع تصویری مفهوم مشخصی در مورد جاندار بودن اشیاء ارائه نداده و یا گروهی صفاتی را جدا از صفات بیان شده متذکر شده‌اند. در مورد دو گروه اخیر چنین باید متذکر شد که، جاندار پنداری پیش از ۴ تا ۶ سالگی به صورت پراکنده یا غیر نظامدار در تمام کودکان وجود دارد و در واقع کودک در این سنین جاندار پندار، واقعی و کامل است و همه چیز برای او زنده و با هدف است و هیچگاه در مورد زندگی و زنده بودن فکر نمی‌کند و سئوالی ندارد اما از سن ۶ سالگی به تدریج سئوالات پیش آمده، و جاندار پنداری در یک چهارچوب نظامدار شروع به تحول خواهد نمود و از آن به بعد کودک بر اساس صفات مشخصی اشیاء را جاندار خواهد نامید و بین این دو مرحله، مرحله‌ای قرار دارد که در واقع ابتدای جاندار پنداری نظامدار بوده و کودک، دچار تعارض شده و در ضمن اینکه از جاندار پنداری کامل خارج گردیده، هنوز هیچ نوع صفاتی یا مشخصاتی برای زندگی و زنده بودن اشیاء ندارد و در پاسخ پرسشها مجموعه‌ای از جوابهای مشابه یا مخالف و یا فقط (من نمی‌دانم) ارائه خواهد داد، به همین جهت این مرحله را مرحله «فقدان مفهوم مشخص» نامیده‌ایم و گروه دوم را، که صفاتی جدا از صفات و علل پیازده بیان کرده و تنها ۲ درصد کل آزمودنی‌ها را شامل می‌شوند تحت مرحله «مفهوم خاص» قرار داده‌ایم زیرا این گروه صرفاً انسان، و حیوان را زنده و بقیه اشیاء را بی‌جان نامیده‌اند که شاید این مرحله، مرحله‌ای قبل از مرحله چهارم باشد، لیکن بیان چنین نتیجه‌ای نیز احتیاج به نمونه بیشتر و پی‌گیری مراحل تحول می‌باشد.

پس با توجه به نوع پاسخها و آنچه که پیازده و دیگران در سایر کودکان مشاهده نموده‌اند می‌بینیم که این کودکان نیز گرایش جاندار پندارانه را نشان داده و اکثر پاسخها نیز مطابق مراحل تحول جاندار پنداری است و چنانکه در جدول شماره ۲ دیده میشود از میان ۱۰۰ آزمودنی مورد بررسی ۸ نفر در مرحله فقدان مفهوم مشخص و ۲ نفر در مرحله مفهوم خاص قرار دارند به عبارت دیگر ۹۰ درصد آزمودنی‌ها طبق مراحل چهارگانه پیازده قابل مرحله‌بندی می‌باشند.

ب - بررسی نتایج برحسب سن

برای پی بردن به حدود دامنه سنی مراحل تحول جاندار پنداری در این آزمودنی‌ها، کل گروه، را به چهار گروه سنی با فاصله طبقاتی ۲ سال تقسیم نمودیم، که هر طبقه شامل ۲۵ نفر می‌باشد و مطابق جدول شماره ۲ درصد آزمودنی‌های هر طبقه را نیز در مراحل متفاوت مشخص کردیم، تا بدین وسیله با وجود بیشترین درصد هر پاسخ در هر طبقه و یا صعود و نزول درصد پاسخها دامنه مراحل و چگونگی تحول جاندار پنداری را برحسب سن مطالعه نمائیم. جدول شماره ۲ نشان میدهد که بیشترین درصد در گروه سنی اول مربوط به مرحله اول، در گروه سنی دوم، مربوط به مرحله دوم، در گروه سنی سوم مربوط به مرحله سوم و گروه چهارم مربوط به مرحله چهارم می‌باشد و شکل ۱، (الف - ب) نیز چگونگی مراحل تحول را نشان میدهد. بنابراین با توجه به جدول و منحنی‌های بدست آمده تقریباً حدود سنین پیشنهادی پیاژه را در این گروه‌ها می‌توان دید. شکل ۲ نیز تحول جاندار پنداری را در کل گروه با افزایش سنی نشان می‌دهد. در ضمن با محاسبه مجذورخی چگونگی تحول گروه‌ها نیز معتبر بوده است.

ج - تفاوت مراحل تحول در گروه‌های دختر و پسر

با محاسبه مجذورخی در هر گروه سنی، تفاوت مرحله‌بندی دختران و پسران در مراحل چهارگانه و Nc و Sc با ۹۵ و ۹۹ درصد اطمینان معتبر نبوده است و آنان از نظر مرحله‌بندی در سطح یکسانی قرار دارند. شکل ۳ (الف - ب) نیز منحنی مراحل تحول دو جنس را نشان میدهد.

د - درصد پاسخهای مثبت و منفی

در لیست اشیاء انتخابی مورد پرسش، معمولاً چنین به نظر می‌رسد که کودکان مرحله اول به تمام آنها پاسخ مثبت (بله)، کودکان مرحله دوم از شئی شماره ۶ به بعد پاسخ مثبت (بله)، کودکان مرحله سوم از شئی شماره ۱۱ به بعد و مرحله چهارم از سؤال ۱۵ به بعد پاسخ مثبت خواهند داد به همین منظور ما نیز درصد پاسخهای مثبت (بله) و منفی (نه) کودکان هر مرحله و هر گروه سنی (در تمام مراحل) را محاسبه نمودیم و تقریباً نتایج بالا نیز بدست آمده است.

۴ - بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش فعلی که به طریق روش کلینیکی انجام گرفته نشان می‌دهد، که در این کودکان مفهوم جاندار پنداری و مراحل آن قابل رؤیت بوده و آنان گرایش جاندار پندارانه خود را نسبت به اشیاء به وسیله خصوصیات متفاوت در هر مرحله مشخص نموده و در حدود ۹۰ درصد در چهار مرحله پیاژه قرار گرفته‌اند. اما این نتایج را باید با احتیاط تفسیر کرده و از خود سؤال نمود که آیا با توجه به نتایج آماری بدست آمده می‌توان این مراحل را با چنین نظم طبقه‌بندی کرد؟ و آیا واقعاً آنچه با این روش بدست می‌آید جاندار پنداری است یا نه؟ زیرا یکی از اشکالات این روش کلامی بودن آن است و آنچه بدست می‌آید نمی‌تواند مستقیماً کنش جاندار پنداری باشد بلکه تعاریفی از کلمات «زنده» و «زندگی» است و چنانکه می‌دانیم کلمات با عمل و فکر کودک قدری متفاوت می‌باشند پس

برای روشن ساختن این موضوع باید به تحلیل مکانیزم فکری کودک و بررسی عناصر منفی جوابهای او بپردازیم.

اول اینکه، فکر کودک جاندار پندار با عدم تمایز بین جاندار و بی جان شروع می شود و در این مرحله او نمی تواند ملاکهای تشخیصی را که در بزرگسالان وجود دارد مشخص سازد. دیگر اینکه کودک در تمایز بین شیء، جاندار و بی جان از اصول جسمانی (فیزیکی) استفاده نمی کند و حرکت موجودات زنده را از حرکت ارتجالی ماه و آفتاب تمیز نمی دهد.

دوم اینکه این عدم تمایز در مورد هشیاری، قصد، هدف، حرکات مکانیکی نیز صدق می کند و کودک بین قصد و فعالیت تفاوتی قابل نمی شود. خلاصه اینکه جاندار پنداری نتیجه یک ساخت متفکرانه نیست بلکه داده های ابتدایی است که سبب این عدم تمایز می گردد و کودک در یک خط پیوسته به همه چیز هشیاری می دهد و افول آن نیز احتیاج به بازخورد فکری تحول یافته خواهد داشت اما از طرفی نسبت دادن زندگی، و هشیاری به اشیاء به آن معنی نیست که کودک اشیاء را مثل انسان می بیند زیرا تعریفی که او از زندگی و طبیعت دارد بر اساس اصول فکری و بازخوردهای خاصی است که کودک در مراحل گوناگون تحول به آنها دست می یابد و بر اساس این اصول در هر مرحله اشیاء خاصی را زنده می خواند. تحول مفهوم زندگی در کودک حاکی است از خط پیوسته قدرتهای آزاد که فعالیت و قصد را نشان می دهد و بر حسب بازخوردهایی که کودک در طی تحول علیت خواهد داشت زندگی برای او قدرت، فعالیت و حرکات ارتجالی است ولی همچنان در تمام مراحل قدرت و هدف نمایان می باشد. در مرحله اول که زندگی به استفاده و قدرت اشیاء نسبت داده می شود کودک دارای بازخورد غایبی نگری است و تنها قدرت و فعالیت کلی اشیاء برای او مهم می باشد سپس در طی تحول، چراهای کودک بین دو معنی علی و غایبی نگری قرار می گیرند، به عبارتی، بین علیت جسمانی و قصد تعارض ایجاد می گردد و سپس این مرحله به علیت اخلاقی و جسمانی منتهی می گردد که الزام اخلاقی (چون ما آب می خواهیم رودخانه وجود دارد). و سپس الزام جسمانی (باد ابر را حرکت می دهد). ظهور می یابد و در این مرحله کودک بدنبال علل جسمانی است و چراها ادامه دارد تا پایان ساخته پنداری زیرا تا قبل از این کودک بدن موجود زنده را نظیر خورشید تصور می کند.

مسئله دیگری که در منشأ جاندار پنداری نقش اساسی به عهده خواهد داشت این است که کودک بین خود و دنیای برونی حدی را قایل نیست و این عدم تمایز به دو عامل بستگی دارد.

۱ - عوامل فردی (زیستی) که رابطه محیط و ارگانیزم را کنترل می کنند و جسدسازی و اکتشهای بیولوژیکی ارگانیزم از محیط ناممکن است. در این جریان پیچیده ابتدا درونسازی اشیاء به ارگانیزم و سپس سازش ارگانیزم با محیط صورت می گیرد در عامل فردی نیز دو مسئله موجود است. اول عدم تمایز، که افول آن کودک را به تمایز بین جنبه روانی و جسمانی قادر می سازد که این عدم تمایز در جاندار پنداری پراکنده عاملی مؤثر است و کودک در این زمان هر آنچه را که به خود و شخصیت خود نسبت دهد به اشیاء نیز نسبت خواهد داد.

دوم، درون فکنتی^{۱۱} است که بدنبال آن جاندار پنداری نظامدار حاصل می شود و کودک در این زمان گرایش به نسبت دادن احساس متقابل به اشیاء و دیگران را دارد. برای بررسی درون فکنتی کافی

است خود میان‌بینی^{۱۱} را مطالعه کنیم. کودک خود میان بین تصور می‌کند که همه چیز به خاطر اوست مثلاً علت زنده بودن ساعت را نشان دادن وقت برای رفتن به مدرسه، و یا زنده بودن خورشید را برای روشن کردن جهان تفسیر می‌کند.

۲ - عوامل اجتماعی، که نظیر عامل زیستی مهم بوده و هر عمل یا گفتار اجتماعی در این امر مؤثر خواهد بود.

در مورد عوامل اجتماعی نیز عامل احساس مشارکتی که کودک نسبت به محیط اجتماعی خواهد داشت و الزام اخلاقی که تابع تعلیم و تربیت اوست مؤثرند.

عامل دیگری از عوامل اجتماعی که در جاندار پنداری مؤثر است، گفتار و صحبت کردن می‌باشد. ما در صحبت کردن همیشه نقش و فعالیتی را به اغلب اشیاء نسبت می‌دهیم، مثلاً در فارسی می‌گوئیم، «خورشید می‌تابد، باران می‌بارد، خورشید می‌کوبد و بها را می‌کشد». این جملات در کودک تعارضاتی به وجود می‌آورد و او را وادار به تفکر می‌نماید.

بنابراین با توجه به تفکر و پاسخ کودک می‌بینیم که جاندار پنداری وجود داشته و شامل مراحل است که مانند تعاریف پیازه بدنبال عم بوده و گرچه نمی‌توان سن معینی را برای آنها مشخص کرد ولی تمامی آنها را به ترتیب در کودک می‌توان یافت. پس بنا به این پژوهش عمومیت جاندار پنداری در فرهنگی دیگر نیز تأیید گردید. و چه بسا ضرورت ایجاد میکند که ما نیز مانند فرهنگهای پیشرفته تمام مراحل تحول دستگاه روانی کودکان خود را بدین نحو بدست آورده و آموزش و تعلیمات خود را بر این چگونگی مبتنی سازیم تا کودک هیچگاه در درک مفاهیم، دچار اشکال و ابهام نگردد و علاوه بر آن شناختی کامل از کودک خود نیز خواهیم داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

(خلاصه)

در این تحقیق ۱۰۰ آزمودنی ۵ تا ۱۲ سال و ۱۱ ماه (۴۵ دختر - ۵۵ پسر) از طبقه متوسط به منظور بررسی جاندار پنداری و مراحل تحول آن مورد آزمایش قرار گرفتند.

روش تحقیق مطابق روش کلینیکی پیاژه و با استفاده از روش آماری راسل و دنیس بود نتایجی که بدست آمده بدین شرح خلاصه میگردد:

۱ - این نمونه از آزمودنی‌های ایرانی قابل طبقه‌بندی در مراحل جاندار پنداری پیاژه می‌باشد یعنی در حدود ۹۰ درصد آنان در این مراحل و بقیه در مراحل Sc و Nc قرار داشتند.

۲ - چگونگی مراحل تحول با افزایش سنی نسبت مستقیم داشته و تا حدودی سنین پیشنهادی پیاژه، را در این نمونه می‌توان مشاهده کرد.

۳ - تفاوت مراحل تحول در گروه‌های دختر و پسر از نظر آماری معتبر دیده نشده است.

۴ - درصد پاسخهای مثبت و منفی سئوالات در مراحل و گروه‌های سنی محاسبه گردید.

۵ - عمومیت فرضیه جاندار پنداری و مراحل تحول آن با این نمونه در کودکان ایرانی نیز تأیید گردیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

(جدول شماره ۱)

(تعداد آزمودنیها در مراحل تحول جاندار بنداری با فاصله طبقاتی ۲ سال)

N	مرحله مفهوم خاص	مرحله چهارم	مرحله سوم	مرحله دوم	مرحله اول	مرحله فقدان مفهوم شخص	سن تقویمی
۲۵	۰	۰	۰	۴	۱۴	۷	۵ - ۶"
۲۵	۲	۴	۷	۸	۳	۱	۷ - ۸"
۲۵	۰	۹	۱۰	۴	۲	۰	۹ - ۱۰"
۲۵	۰	۱۶	۸	۱	۰	۰	۱۱ - ۱۲"
۱۰۰	۲	۲۹	۲۵	۱۷	۱۹	۸	N



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

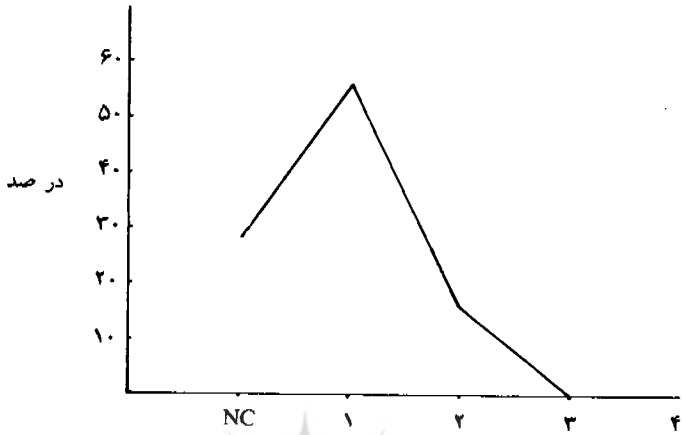
رتال جامع علوم انسانی

(جدول شماره ۲)

(درصد آزمودنیها در مراحل تحول جاندار بنداری با فاصله طبقاتی ۲ سال)

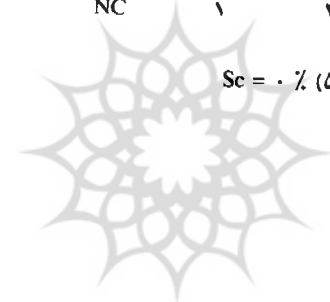
N	مرحله مفهوم خاص	مرحله چهارم	مرحله سوم	مرحله دوم	مرحله اول	مرحله فقدان مفهوم شخص	سن تقویمی
۲۵	۰	۰	۰	۱۶	۵۶	۲۸	۵ - ۶"
۲۵	۸	۱۶	۲۸	۳۲	۱۲	۴	۷ - ۸"
۲۵	۰	۳۶	۴۰	۱۶	۸	۰	۹ - ۱۰"
۲۵	۰	۶۴	۳۲	۴	۰	۰	۱۱ - ۱۲"
۱۰۰	۲	۲۹	۲۵	۱۷	۱۹	۸	N

شکل ۱ الف

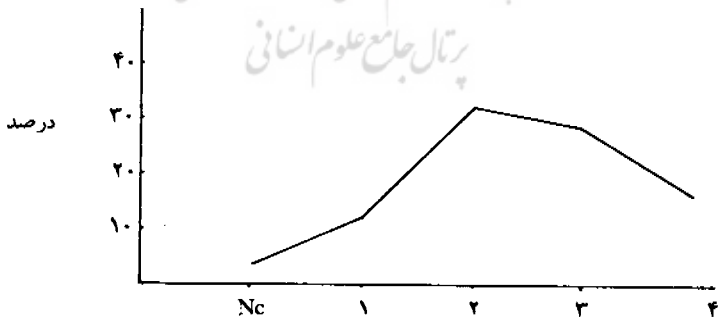


مراحل

(گروه سنی ۶^{۱۱} - ۵) Sc = ۰ %



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



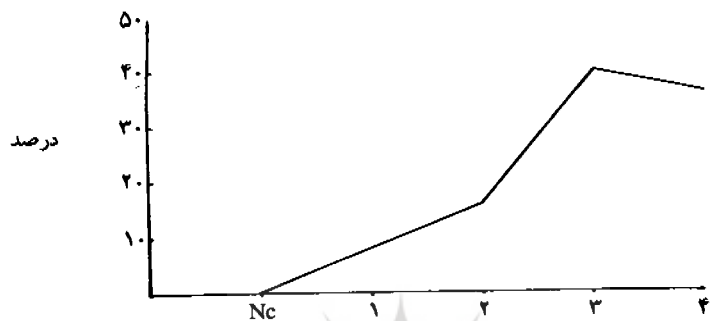
مراحل

(گروه سنی ۸^{۱۱} - ۷) Sc = ۸ %

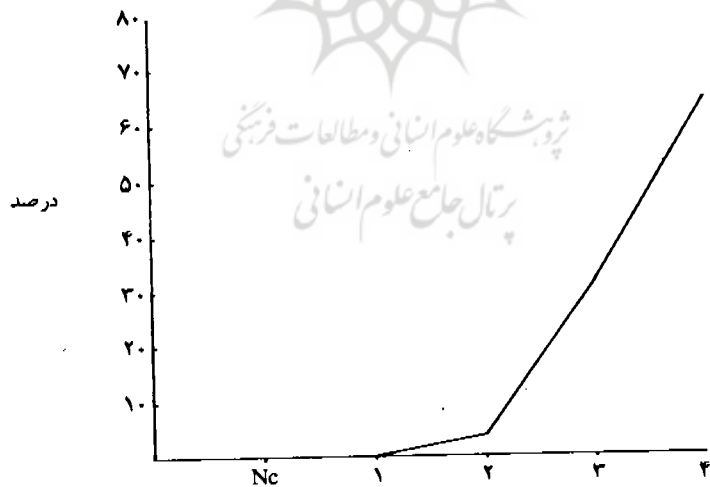
(منحنی درصد آزمودنیها در مراحل تحول جاندار پنداری با)

فاصله طبقاتی ۲ سال

شکل ۱ ب

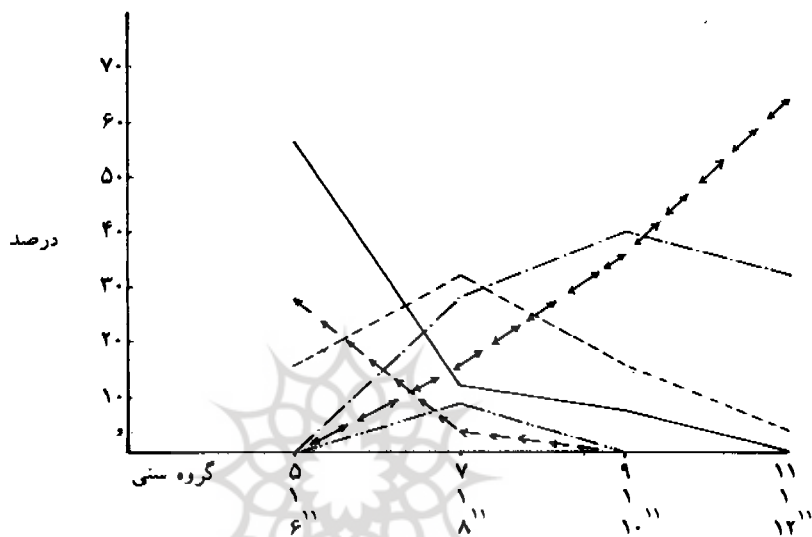


$$Sc = 0. \%(9 - 10^{11})$$



$$Sc = 0. (11 - 12^{11})$$

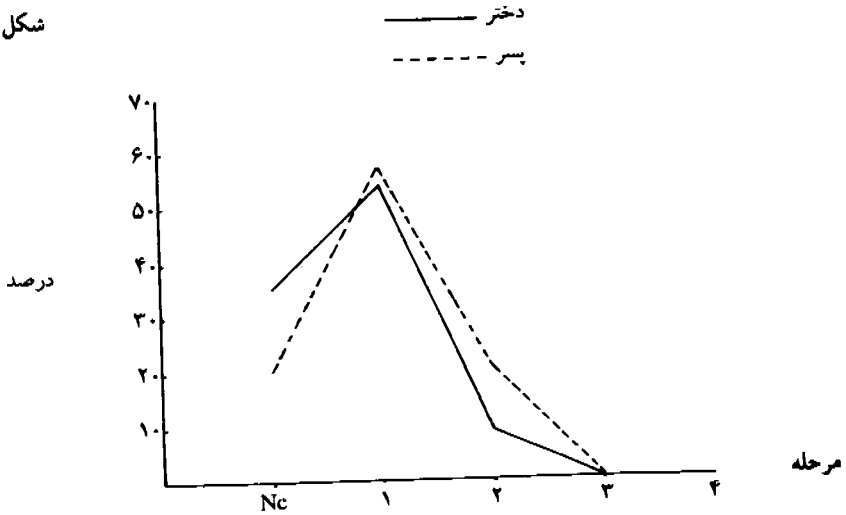
(منحنی درصد آزمودنیها در مراحل تحول جاندار پنداری با)
فاصله طبقاتی ۲ سال



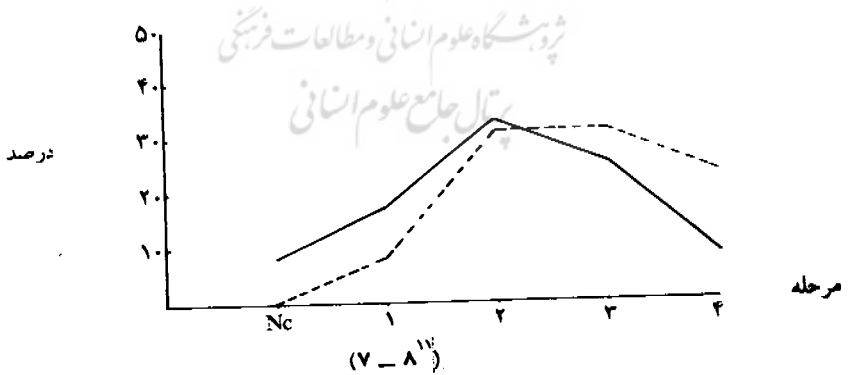
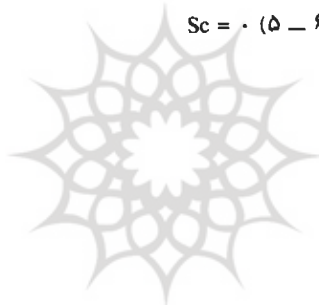
(منحنی مراحل با افزایش سنی در کل گروه)
با فاصله سنی ۲ سال

- مرحله اول
- مرحله دوم
- . - . - . مرحله سوم
- ↔ ↔ ↔ ↔ ↔ ↔ ↔ ↔ مرحله چهارم
- مرحله Sc
- → → → → → → → مرحله Nc

شکل ۳ الف



$$Sc = 0 \cdot (5 - 6'')$$

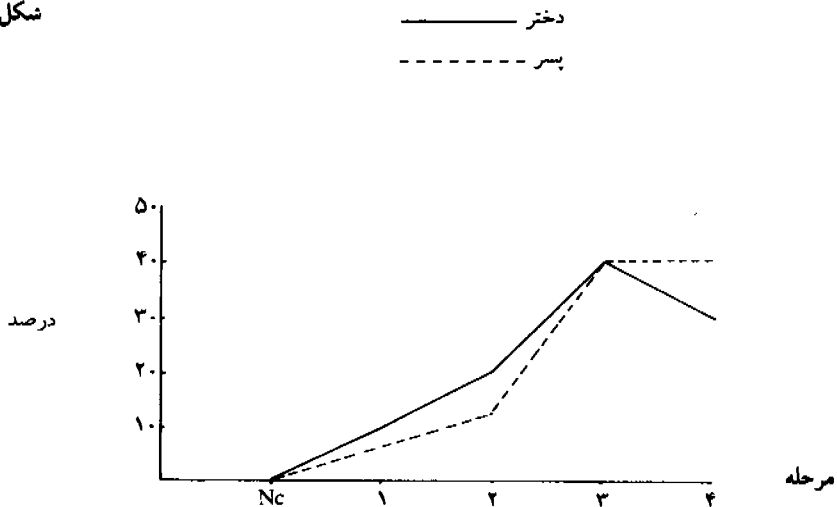


$$Sc = 8\% \text{ دختر}$$

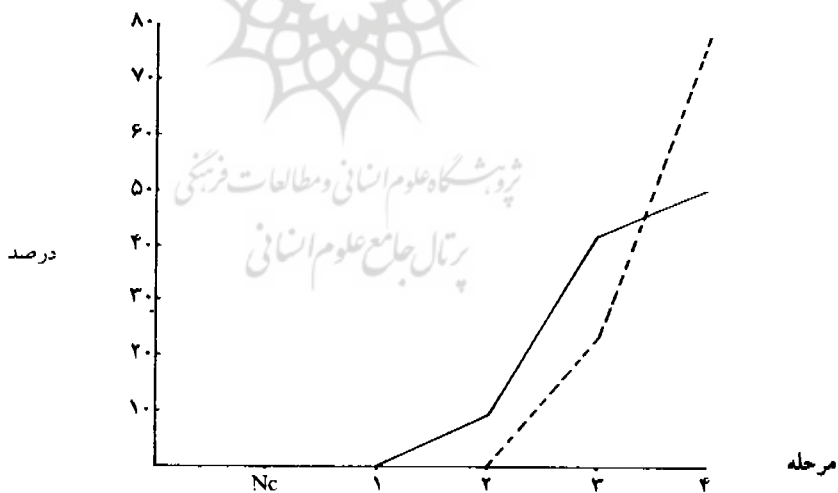
$$Sc = 7/8\% \text{ پسر}$$

(منحنی درصد آزمودنیهای دختر و پسر در مراحل تحول جاندار پنداری)
با فاصله طبقاتی ۲ سال

شکل ۳ ب



$$Sc = 0 \cdot (9 - 10^{11})$$



$$Sc = 0 \cdot (11 - 12^{11})$$

(منحنی درصد آزمودنیهای دختر و پسر در مراحل تحول جاندار پنداری)
با فاصله طبقاتی ۲ سال



- 1 - ANIMISM
- 2 - The Child's Conception of the World.
- 3 - Diffuse
- 4 - No Concept Stage (Ne)
- 5 - Special Concept stage (Sc)
- 6 - Continuum
- 7 - Artificialism
- 8 - Assimilation
- 9 - Indissociation
- 10 - Introjection
- 11 - Egocentrism
- 12 - Universalite

مآخذ:

- ۱ - دادستان بربرخ، روانشناسی پیاژه و کاربرد آموزشی آن، مجله روانشناسی، سال پنجم آذر ماه ۱۳۵۵، صفحه ۲۰۷.
- ۲ - منصور محمود، روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از کودکی تا پیری، شرکت سهامی چهر ۱۳۵۰.
3. Berzonsky, Michael. D., A Factor analytic investigation of child animism. J. Genet. Psychol., 1973, 122, 287-295.
4. Dennis, W., Russell, R.W., Piaget's questions applied to Zuni children. Child. Devel., 1940, 11, 181-187.
5. Huang, I., Lee. H.W., Experimental analysis of child animism. J.Genet. Psychol. 1945, 56, 69-74.
6. Jahoda, G., Child animism: II A study in West Africa. J.Soc. Psychol., 1958, 47, 213-222.
7. Jahoda, G., Child animism: L. A critical survey of cross cultural research. J. Soc. Psychol., 1958, 42, 197-212.
8. Klingberg, G. The distinction between living and non-living among 7-10 year old children, with some remarks concerning the animism controversy. J. Genet. Psychol. 1957, 90, 227-238,
9. Looft, William, R. Animistic thought in children: understanding of "living" across its associated attributes. J. Genet. Psychol., 1974, 124, 235-240.
10. Piaget. J. The child's Conception of the World, London: Kegan Paul, 1929.
11. Piaget. J. Children's Philosophies, in A Handbook of Child Psychology ed by C. Murihision, Worcester Mono Clark University. 1933, P. 534.
12. Piaget.J. The Child's Conception of Physical Causality. London: Kegan Paul. 1930.
13. Russell, R.W., Dennis, W., Studies in animism. A standardization Procedure for the investigation of animism. J. Genet. Psychol., 1939, 55, 389-400.
14. Russell, R.W. Studies in animism. The development of animism. J.Gent. Psychol. , 1940 , 56, 353-366.
15. Russell, R.W., Studies in animism: V. Animism in older children. J.Genet. Psychole., 1942, 60, 329-335.
16. Smeets, Paul, M., The Influence of MA and CA the attribution of life and life traits to animate and inanimate objects, J.Genet. Psychol., 1974, 124, 17-27.
17. Strauss, A.L., The animism controversy: Re exanination of Huang-Lee Data. J. Genet. Psychol., 1951, 78, 105-113.
18. Thouless, R.H., Brown, L.B., Animistic thought in civilized adults, J. Genet. Psychole, 1965, 107, 33-42.